شرح پروژه:

در سال 1398 زمانی که این ایده به ذهنم خطور کرد، دقیقا موقعی بود که کرونا تازه وارد ایران شده بود و من به شدت احساس خطر میکردم و همزمان نیز زمزمه هایی از جنگ و بحثهای همیشگی ایران و ترامپ بود، واقعا میترسیدم.

نیاز شدیدی به ایمنی داشتم ولی هیچ کجارو ایمن نمیدیدم، خانه در برابر کرونا ایمن بود ینی کافی بود بیرون نرم اما درباره جنگ،جدا میترسیدم چون خانه ایمن نبود و در همان شلوغی یکشب زلزله هم آمد و به لیست ترسهایم اضافه شد.

با توجه به همهی اینها متوجه این حقیقت شدم که امنیت یک امر نسبی هست و هیچ مکانی کاملا ایمن نیست لذا تصمیم گرفتم روی پروژه پناهگاه و پناه گرفتن کار کنم.

اتودهای اولیه پناهگاهایی تونلی شکل هستند که با متریال سرامیک شکل گرفتند و در برابر ضربه مقاوم نبودند اما میتوانستند اب و شکهای حرارتی را تحمل کنند و در ادامه با متریال کاغذ کالک خاصی کار کردم که به سختی پاره میشد و ضد اب بود و اگر هم له میشد دوباره میشد انرا فرم داد، این ساخته شدن دوباره اشاره کوچکی به ابادانی بعد از جنگ و خرابی دارد، اما خب نمیتوانست در برابر اتش مقاومت کند.

از باطری و لامپ کوچکی درون مجسمه ها استفاده کردم که نشانه ای از حیاط و انرژی باشد و با فرم هندسی بیضی که به عنوان نمادی از انسان روی بدنه های طراحی شد این موجودیت را به انسان نسبت دادم.

در نمایشی که در المان بود نمیخواستم از نمادهای ایرانی استفاده کنم تا کارم محدود به جغرافیا نباشد،قطعا سعی میکنم در ایران هم همین باشد وکارم فراتر از مکان و زمان حرکت کند.

استیتمنت:

نیاز به بیان، شاید بهترین دلیل برای شکل گرفتن این مجموعه باشد. مجموعه ای که برایم مثل فریاد کمک خواستن یا ایجاد اراده ای برای ساخت پناهگاهایی که میدانم امنیتشان نسبی خواهد بود. (استیتمنت هم ممکن است با توجه به چیدمان تغییر کند)